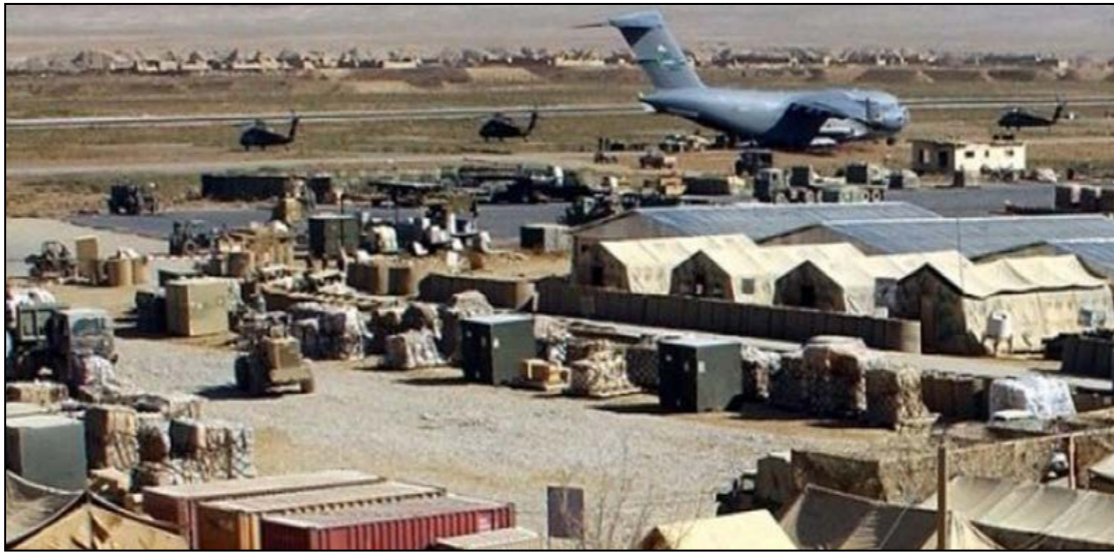


شکاف استخباراتی سبب رسوخ طالبان به پایگاه ناتو در بگرام

میرویس هاروتی و قیام الدین شمس/ مترجم: جابعلی شکرعلیزاده



مقامات دولتی و امنیتی گفتند ماموران اطلاعاتی افغان یک سال قبل از اینکه قاری نایب در ۱۲ نوامبر خود را در داخل پایگاه ناتو نزدیک کابل منفجر کند به نظامیان امریکایی حداقل دو بار هشدار داده بودند که کارگران اینجا می توانند خطر بالقوه ای باشند و ممکن است حملاتی را انجام دهند. در حمله روز ۱۲ نوامبر چهار امریکایی کشته شدند. این مقامات افغان اضافه کردند که بارها از نیروهای غربی درخواست کرده بودند که اطلاعات راجع به کارمندان و کارگران شان در پایگاه هوایی بگرام را با آنها در میان بگذارند که اگر به مورد مشکوکی برخوردند بتوانند بررسی نمایند؛ اما آنها به این درخواست جواب رد دادند. سخنگوی ناتو کاپیتان ویلیام سالوین گفت ناتو همیشه درباره تمامی عناصر اطلاعاتی به شمول تبادل اطلاعات با نیروهای دفاع ملی افغانستان و نیروهای امنیتی با آنها همکاری می کنند و این همکاری بصورت دوامدار وجود دارد. ما از تباط قوی و به خاطر روز با همتایان افغان مان داریم اما به خاطر بعضی از عملیات های امنیتی خیلی وارد جزئیات مشخص نمی شویم. مقامات افغان گفتند که همکاری ما با نظامیان امریکایی تا بحال بسیار تنگاتنگ بوده است. وحید صدیقی سخنگوی والسی ولایت پروان گفت بعد از این حمله نیروهای امریکایی موافقت کردند که معلومات کارگران شان را به ما در میان بگذارند. مقامات کشف کرده بودند که نایب، شبیه نظامی طالبان که به عنوان کارگر در پایگاه بگرام کار می کرد قبل از برنامه پاک سازی افراد افراطی از اردو با نام جعلی قاری عنایت کار می کرد. این حادثه نشان داد که ماموران اطلاعاتی معلومات غلطی داشتند چطور این همکاری بهتر و قویتر بین ارگان های امنیتی افغان و نیروهای خارجی منجر به کشف قصد نایب برای از بین بردن دو سر باز امریکایی و دو قراردادی آنها نشد، زخمی شدند، یکی از بدترین حمله ای که در طول این سال بر نیروهای امریکایی رخ داده است. اما حمله در داخل یکی از امن ترین پایگاه نظامی ناتو این سوال را بر

می انگیزد که چطور آنها نتوانستند سوابق کارگران را بدرستی مطالعه نمایند و آنها چطور برنامه ادغام شورشیان به جامعه را در قالب برنامه صلح به اجرا می گزارند. این حمله توانایی آنان را زیر سوال برده است. این حمله از داخل، پیچیدگی انجام عملیات در افغانستان را نشان میدهد جایی که طالبان افغان، القاعده و اخیراً نیروهای داعش باعث تلفات بیشتری می شوند و موافقت کردند که معلومات کارگران شان را به ما در میان بگذارند. مقامات کشف کرده بودند که نایب، شبیه نظامی طالبان که به عنوان کارگر در پایگاه بگرام کار می کرد قبل از برنامه پاک سازی افراد افراطی از اردو با نام جعلی قاری عنایت کار می کرد. این حادثه نشان داد که ماموران اطلاعاتی معلومات غلطی داشتند چطور این همکاری بهتر و قویتر بین ارگان های امنیتی افغان و نیروهای خارجی منجر به کشف قصد نایب برای از بین بردن دو سر باز امریکایی و دو قراردادی آنها نشد، زخمی شدند، یکی از بدترین حمله ای که در طول این سال بر نیروهای امریکایی رخ داده است. اما حمله در داخل یکی از امن ترین پایگاه نظامی ناتو این سوال را بر

مجدد شورشیان به جامعه، نایب در یک کورس نه ماهه در مرکز آموزشی حرفوی کوریایی در پایگاه بگرام ثبت نام کرده بود او در آنجا انگلیسی، مهارت های کامپیوتر و ترمیم موتور آموزش دیده بود. مانند سایر متعلمین در مرکز، نایب بلافاصله توانست وظیفه ای در آنجا دست و پا کند. اعضای خانواده او به رویترز که اخیراً از خانه محقر نایب در چند قدمی پایگاه دیدن کرده است، گفت که به او بعد از کنترل و چک های امنیتی به شمول انگشت نگاری و بایومتریک که مطمئن شوند جرایمی را در گذشته مرتکب نشده باشد، اجازه دادند نایب کارش را در بخش (FLRN) به عنوان میخانیک موتور در پایگاه شروع کند. FLRN می گوید که او توسط یکی از قراردادی های ما استخدام شده بود. ما مستقیماً افغان ها را در بگرام استخدام نمی کنیم، بررسی سوابق کاری، تجربه کاری و کارهای اداری دیگر که در مورد استخدام به کار می رود توسط دولت امریکا تعریف شده است؛ ما این پروسه را دنبال می کنیم و قراردادی هایمان هم مطابق همان پروسه کارشان را انجام می دهند. گلالی مادر نایب می گوید او حدوداً

چالش های دفاع از حقوق زنان

رضا احسانی

از جامعه‌ای نسا جامعه دیگر فرق می‌کند، مثلا کارکردها و ویژگی‌های یک خانواده روستایی با کارکرد خانواده‌های شهری از جوامع توسعه یافته تا خانواده‌های مربوط به جوامع عقب مانده، تفاوت چشم‌گیر دارند. خانواده‌های روستایی از لحاظ اقتصادی واحدهای مستقل و بی‌نیازی به حساب می‌آید، اعضای خانواده با هم کار می‌کنند و محیط خانه برای اعضای آن هم محل زندگی است و هم مدرسه و شفاخانه و... فرزندان خانواده در همان جا متولد می‌شوند، بزرگ می‌شوند در صورت مرگشان تحت درمان قرار می‌گیرند و در همان جا آموزش می‌بینند و تربیه می‌شوند و کار می‌کنند و بالاخره می‌میرند، در حالی که خانواده در جوامع پیشرفته بسیاری از کارکردهای فوق را از دست می‌دهد و جای آن را نهادهای ویژه دیگری مانند کودکستان، مدرسه، پارک‌های تفریحی، کلبه ورزشی، شفاخانه‌ها و کارخانه‌ها می‌گیرند. بربنیای همین تفاوت‌ها نقش و کارکرد زن نیز در خانواده‌ها تفاوت پیدا می‌کند. برای یک زن در محیط روستایی ازدواج بر خلاف میل و رغبت پدر و مادر و سایر اعضای فامیل قبیح، زشت و ناپسند است و زن اجازه ندارد در بیرون از خانه کار نماید و یا بدون اجازه شوهر و بزرگان خانواده از اقارب خود احوال بگیرد و یا به بازار برود و یا به تحصیل بپردازد، ولی زنان در جوامع پیشرفته به راحتی می‌توانند نقش‌های فوق را به عهده بگیرند. نقش سرپرستی و مدیریتی مرد در خانواده‌های شهری و پیشرفته به مراتب کمتر از نقش مردان در خانواده‌های روستایی است.

با توجه به تفاوت‌ها و محدودیت‌های فوق بسیاری از نهادهای، موسسات و اشخاص مدافع حقوق زنان از نقض حقوق زنان در جوامع در حال توسعه و سنتی و مذهبی دارای ساختار قبیل‌های به شدت شکایت دارند و خواهان بهبود وضع زنان در این جوامع می‌باشند اما به این نکته هرگز توجه نمی‌کنند و یا به تبعه عدم کنارت آن می‌گذرند که تغییر در نقش و کارکرد زنان، تابعی از تغییر و تحول اساسی در

جامعه جهانی به شکل یک خانواده، ما را ناگزیر می‌سازد تا در برابر زنان و حقوق زنان موضع مشخص و روشن داشته باشیم. ما نمی‌توانیم نسبت به آنچه در سایر ممالک می‌گذرد و شکل بندی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بی‌تفاوت باشیم؛ با افزایش سطح تعاملات فکری و فرهنگی، و داد و ستدهای تجاری و گسترش مناسبات سیاسی، خواه و ناخواه پدیده‌های نوین اثر گذار در اجتماعات دیگر دیراً زود به جامعه ما نیز سرایت کرده و تمامی ساختارها، بافت‌ها و باورهای ما را با چالش‌های غیر قابل گریز مواجه می‌نمایند. بنابراین بهتر آن خواهد بود که پیش از آن که ساختارها و باورهای فکری و فرهنگی ما در اثر هجوم پدیده‌های نوین جهانی آسیب ببینند، موقعیت و موضع خود را در قبال آنها مشخص سازیم.

موضوع زن، گرچند از قرن‌ها قبل ذهن و فکر اندیشمندان و متفکران را به خود مشغول داشته است، اما این مباحث از زمانی به زمان دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر، خاصیت تحول پذیر داشته و از ابعاد کمی و کیفی بیشتر و ژرف‌فکتری برخوردار گردیده است. یک جانبه نگری، شعار گرای و توجیهاات غیر منطقی و یا ناقول به هیچ وجه برای نسل نو خاسته، تحصیل کرده و پرسشگر امروزی جامعه ما در برابر زنان و حقوق زنان قناعت بخش نخواهد بود. پاسخ ها باید عقلانی، عمیق و همه جانبه بوده و تمامی ابعاد وجودی و شخصیتی زن را با توجه به قواعد بین المللی و فرهنگ و آموزه های اسلامی شامل گردد.

واژه حق در حوزه‌های گوناگون علوم و دانش بشری با توجه به موارد کاربرد آن به معانی مختلفی استعمال می‌گردد. مثلا وقتی که حق در برابر باطل یا واژه ضلال و یا لغت تکلیف قرار می‌گیرد و یا این واژه در حوزه‌های فلسفی، حقوقی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مفاهیمی متفاوتی از آن افاده می‌گردد و برای فهم درست معنای حق، توجه به این تفاوت‌ها و کاربردها نیز ضروری به نظر می‌رسد.

آنچه ما در این نوشتار از آن نام می‌بریم، معنای فلسفی و معرفت شناسانه حق نیست بلکه کلیه حقوقی است که در حوزه



جایگاه زنان # افغانستان

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

ساختارها و بافتارهای اجتماعی و فرهنگی است و بدون تحول و دگرگونی در عناصر فرهنگی، ارزش‌ها و باورها و بدون تغییر در بافت‌های اجتماعی و ویژگی اقتصادی جامعه، امکان بهبودی در وضع زندگی زنان ناممکن به نظر می‌رسد و چنانچه این تغییر امکان پذیر گردد؛ تنها دستاوردهای مثبتی را به همراه نخواهد داشت که سبب پیدایش مشکلاتی به مراتب دشوارتر برای زنان خواهد شد و شرایطی به مراتب ناگوارتری را بر زنان تحمیل خواهد کرد. بنابراین، چه در تحلیل‌ها و تحقیق‌ها و چه در خیرها و گزارش‌ها از وضعیت حقوق بشری زن در جوامع مختلف باید ویژگی‌های جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنها دقیقاً مدنظر گرفته شود و متناسب با سطح دانش و آگاهی افراد و پیشرفت‌های اقتصادی، وضعیت شغلی و شرایط فرهنگی آنها در مورد نحوه رفتار با زنان دآوری و قضاوت صورت بگیرد، نخرای معیارهای پذیرفته شده در جوامع صنعتی را با ویژگی‌های اقتصادی و فرهنگی در جوامع غیر صنعتی به عنوان شاخص‌های حقوق بشری مورد پذیرش قرار داد، زیرا در جوامع توسعه نیافته تنها زنان که مردان نیز از حقوق انسانی شان برخوردار نیستند. شرایط ناگوار و دشوار زندگی، فقدان تسهیلات صحی، تعلیمی، فقر و گرسنگی، بی‌کفایتی و محرومیت‌های مطلق از تمامی امکانات و وسایل رفاهی، زمینه‌های فکر کردن در باره وضعیت حقوق بشری را در این جوامع به کلی از بیسن برده اند؛ آنچه ذهن و فکر آنان را به خود مشغول داشته، تهیه لقمه نانی خشک، لباس‌های کهنه، نجات از مرگ در هنگام مریضی و یا در مواجهه با گرما و سرما است. رعایت حقوق بشر به شکل مدرن و امروزی آن از چنین مردمی یقیناً که بی‌انصافی است. بنابراین ما در برداشت‌ها و دآوری‌های خود نسبت به حقوق زنان باید به دو عنصر زمان و مکان توجه داشته باشیم و آهنگ تغییر در وضعیت حقوق بشری زنان را در نظر گیری خصوصیت‌های زمانی و مکانی و زندگی زنان مورد توجه قرار دهیم و گرنه به‌جای کمک به فشر آسب پذیر زنان در جامعه، جفای نابخشودنی را در حق شان روا می‌داریم و پدیده خشونت علیه زنان را فراگیرتر و مبارزه با آن را دشوارتر می‌سازیم.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و

تنها سرمقاله یانگر

دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com